



طرح دولت الکترونیک

گزارش نهائی فاز صفر طرح مطالعه، طراحی و تدوین معماری و راهبرد ملی دولت الکترونیک

چکیده مبسوط

مرکز فن آوری اطلاعات

نهاد ریاست جمهوری

مطالعه و طراحی

موسسه مطالعات راهبردی فن آوری اطلاعات

اسفند ۱۳۸۳

نهاد ریاست جمهوری برای انجام وظایف اصلی خود، نیازمند تعامل موثر با دستگاه‌ها، چه به شکل دستیابی و ارائه اطلاعات، و چه به شکل انجام فعالیت‌ها و دریافت و ارائه خدمات است؛ به نحوی که بخش اصلی اطلاعات و فعالیت‌های نهاد، در تعامل با سایر دستگاه‌ها شکل می‌گیرد. به همین دلیل، پرداختن به حوزه فن آوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) نهاد ریاست جمهوری، بدون پرداختن به بستر فعالیت و تعامل دستگاه‌ها در حوزه فن آوری اطلاعات و دولت الکترونیک، ممکن و موثر نیست. مرکز فن آوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری با علم به این موضوع، از سال ۱۳۸۱، فعالیت طرح مطالعه، طراحی و تدوین معماری و سند ملی دولت الکترونیک را آغاز نمود. در فاز صفر این فعالیت که به حمد و یاری خداوند متعال به پایان رسیده است، رویکردها، روش‌ها، بنیادهای نظری، دورنمای معماری و ابعاد راهبردی دستیابی به دولت الکترونیک در کشور، مورد مذاقه، تبیین و طراحی قرار گرفته است.

۱- مقدمه: پدیده دولت الکترونیک - دیدگاه‌های مختلف

تحقق دولت الکترونیک در کشور و حرکتی که به سوی تحقق و توسعه دولت الکترونیک انجام می‌شود، مسئله اساسی‌ای را پیش روی ما قرار می‌دهد. پدیده دولت الکترونیک چگونه پدیده‌ای است؟ این پدیده چه ابعاد، رفتار و خصوصیتی دارد؟ با چه دیدگاهی می‌توان به این پدیده نگاه کرد؟ حرکت به سوی تحقق و توسعه دولت الکترونیک باید با چه رویکردی صورت پذیرد؟ و این حرکت برای دسترسی به پدیده دولت الکترونیک در دیدگاه مطلوب، طی چه گام‌هایی باید انجام شود؟ اینها سئوالات و ابعاد اساسی است که مسئله تحول و توسعه دولت الکترونیک پیش روی ما قرار می‌دهد، و این طرح باید به این ابعاد پردازد. (شکل ۱)

به پدیده دولت الکترونیک می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی نگاه کرد. در اولین دیدگاه، که دیدگاهی بسیار ابتدائی و رایج است، دولت الکترونیک یک سیستم یا سایت اینترنتی است که اطلاعات و خدمات یک دستگاه دولتی را به مردم ارائه می‌کند. این سیستم، طبق همان ساختار و رفتار متداول و معمول عملیاتی دستگاه مورد نظر، مانند یک درگاه و واسط ارتباطی، در تعامل و ارتباط دستگاه با مردم، نقش ایفا می‌کند. (شکل ۲)



از دیدگاه دوم، دولت الکترونیک نمی تواند تنها به شکل یک پورتال یا یک درگاه باشد، بلکه باید کل سیستم های رایانه ای دستگاه را نیز در بر گیرد، و سیستم یکپارچه ای را برای سیستم رایانه ای ایجاد، و خدمات الکترونیکی را به مخاطبان ارائه نماید.

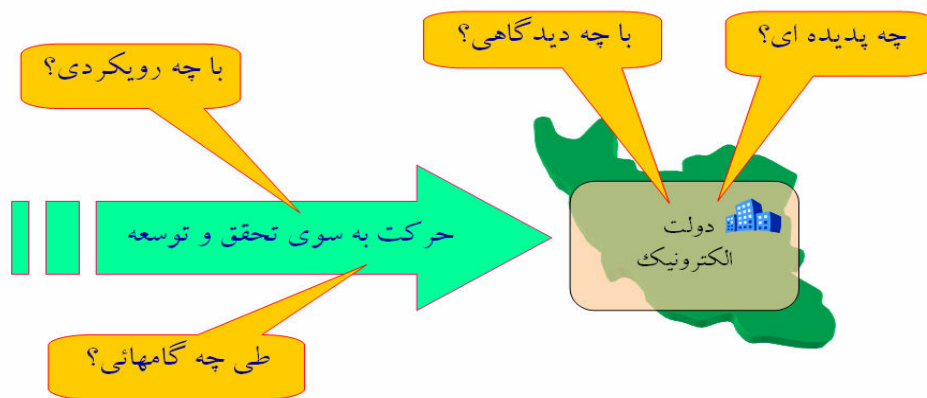
دیدگاه سومی هم وجود دارد. در این دیدگاه، مسئله تنها سازماندهی سیستم های رایانه ای نیست، بلکه هدف، سازماندهی کل سیستم ها و خدمات سازمان، چه سیستم های رایانه ای و چه سیستم های غیر رایانه ای است. از این دیدگاه، نمی توان تنها به سازماندهی سیستم های الکترونیکی، مستقل از سیستم های غیر الکترونیکی پرداخت. در اینجا شکل گیری نوع جدیدی از حکومت، یعنی حکومت الکترونیک مطرح است.

اما از **دیدگاه چهارم**، نمی توان سازمان و حکومت را به شکل مستقل از جامعه ترسیم کرد. در این دیدگاه، زمانی پدیده دولت الکترونیک می تواند کامل شود که دولت الکترونیک، تعاملات بین جامعه، دولت و حکومت را تبیین کند؛ و کل فعالیت ها، خدمات و تعاملات بین دستگاه ها، دولت و مخاطبان، در بستره فن آوری اطلاعات شکل گیرد. به عبارت دیگر، حکومت مبتنی بر فن آوری اطلاعات، در جامعه مبتنی بر فن آوری اطلاعات ایجاد شود.

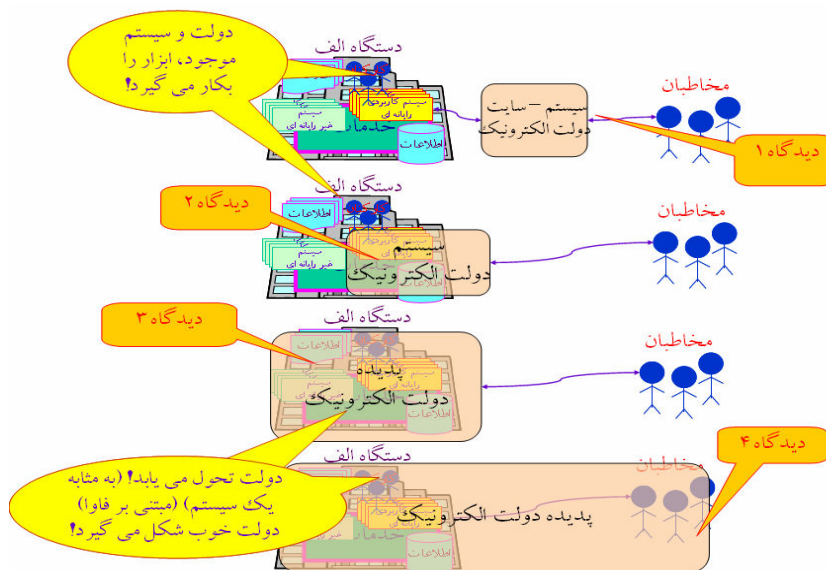
اینها دیدگاه های ممکن از پدیده دولت الکترونیک هستند. دیدگاه های اول و دوم، به چشم ابزاری به فن آوری اطلاعات نگاه می کنند. در واقع، همان ساختار قبلی حفظ می شود، و تنها از فن آوری اطلاعات و سیستم های رایانه ای به عنوان ابزاری برای انجام عملیات استفاده می شود. اما در دیدگاه های سوم و چهارم، دولت تحول می یابد. در این دو دیدگاه، نوع جدیدی از دولت شکل می گیرد؛ کل دولت و پدیده دولت الکترونیک، به مثابه یک نظام مبتنی بر فن آوری اطلاعات بنا می شود.

۲- راهبرد ملی دولت الکترونیک - تحقق یک وفاق

حال، پدیده دولت الکترونیک چگونه می تواند در سطح کشور تحقق پیدا کند؟ دستگاه های مختلفی در سطح کشور وجود دارند که با هم در تعامل هستند. اما نمی توان هر یک از دستگاه ها را مانند جزیره مستقلی تصور نمود، و تعامل آن دستگاه با سایر دستگاه ها را نادیده گرفت. این تعامل، نه تنها بین خود دستگاه ها وجود دارد، بلکه لازم است تا سیستم های اطلاعاتی و الکترونیکی دستگاه ها نیز تعامل مناسبی با یکدیگر داشته باشند. به عبارت دیگر، نه تنها برای رسیدن به پدیده دولت الکترونیک در کل کشور، ابتدا باید سیستم های اطلاعاتی دستگاه ها تحقق پیدا نمایند، بلکه این سیستم ها باید تعامل مناسبی با یکدیگر نیز داشته باشند؛ و از تعاملات بین دستگاه ها پشتیبانی اطلاعاتی و عملیاتی کنند. چنین چیزی ما را به تبیین یک **سند راهبرد ملی یکپارچه دولت الکترونیک** سوق می دهد. سند راهبردی که دستیابی به یک وفاق را محقق سازد، و فاقی بین سیستم های اطلاعاتی دستگاه ها که بستر یک دولت الکترونیک یکپارچه را محقق کند. (شکل ۳- الف)



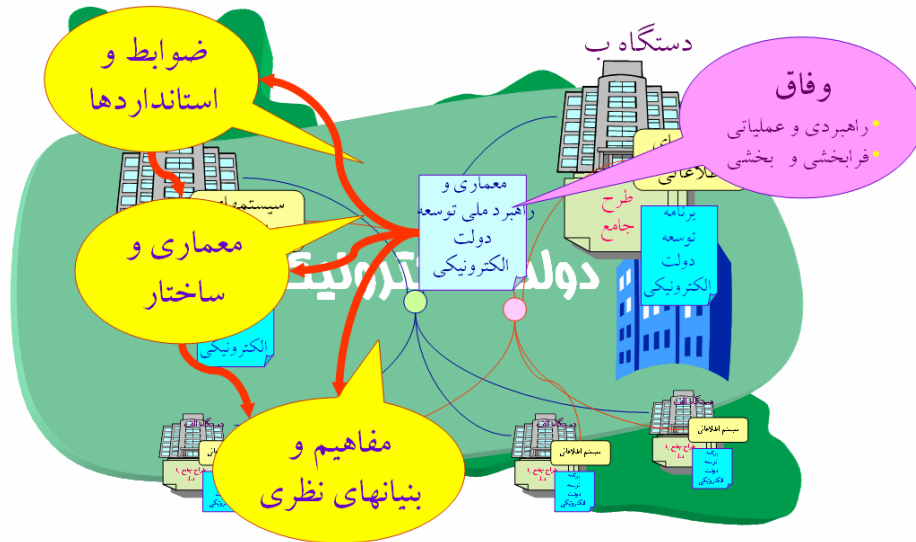
شکل ۱- مسئله توسعه دولت الکترونیک



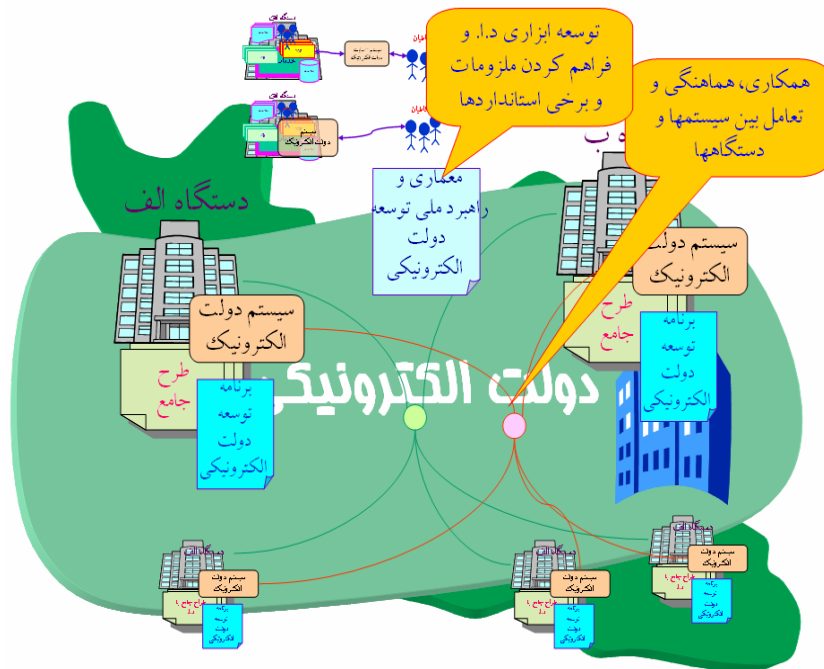
شکل ۲- پدیده دولت الکترونیک؛ دیدگاه‌های مختلف

اما آیا کافی است که این سند راهبرد ملی، برای تحقق این وفاق تنها به تبیین مجموعه‌ای از استانداردها مبادرت کند؟ قطعاً وجود مجموعه‌ای از استانداردها، لازمه تحقق چنین وفاقی است، اما کافی نیست. زمانی تحقق این وفاق امکان‌پذیر خواهد بود که این مجموعه از استانداردها، مبتنی بر معماری مشخصی بنا شود، که نظام یکپارچه‌ای (و نه لزوماً متمرکز) را در دستگاه‌ها تضمین نماید. و تحقق یک معماری یکپارچه، نیازمند بنا ساختن بنیادهای نظری است، به نحوی که یکپارچگی مولفه‌های معماری و عقلانیت نهفته در پشت آن را تبیین کند.

زمانی تحقق یک نظام یکپارچه و متعامل و پیوسته امکان‌پذیر خواهد بود که نظام بر محور استانداردهای مبتنی بر یک معماری مشخص، و معماری مبتنی بر مفاهیم و بنیان‌های نظری کاملاً شفاف، بنا شده باشد. معماری و سند راهبرد ملی توسعه دولت الکترونیک، باید بتواند به هر سه وجه استانداردها، معماری، و چارچوب نظری نظام بپردازد، و هر سه وجه مورد بحث را به شکل مطلوبی پوشش دهد.



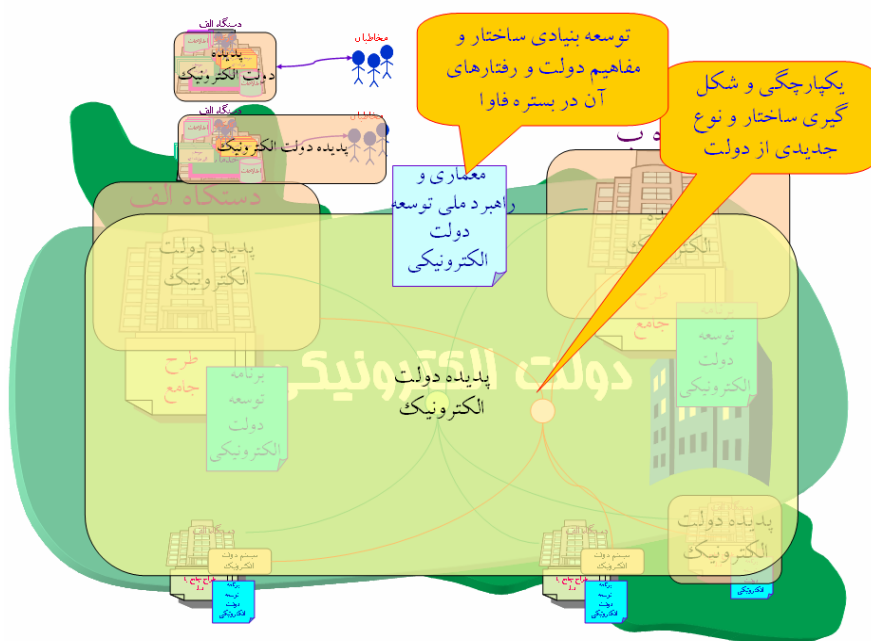
شکل ۳- الف - راهبرد ملی دولت الکترونیک - تحقق یک وفاق



شکل ۳- ب - نوع وفاق در دو دیدگاه اول و دوم

حال اگر معماری و راهبرد ملی، طبق دیدگاه‌های اول و دوم که دیدگاه ابزاری هستند، تحقق پیدا کند، قطعا متفاوت با نوع نگرش دیدگاه‌های سوم و چهارم خواهد بود. در دیدگاه‌های اول و دوم، تعامل بین سیستم‌ها تنها در شکل همکاری، هماهنگی، تبادل بین سیستم‌ها و دستگاه‌ها مطرح است. از این رو، معماری و سند راهبردی توسعه دولت الکترونیک مبتنی بر این دیدگاه‌ها، تنها به توسعه ابزاری دولت الکترونیک و فراهم کردن برخی ملزومات و استانداردها می‌پردازد (شکل ۳-ب).

اما در دیدگاه‌های سوم و چهارم، شکل‌گیری نوع جدیدی از حکومت و دولت، با ساختار و مفاهیم متفاوت در پدیده دولت الکترونیک مطرح است (شکل ۳-ج). در این دو دیدگاه، پدیده دولت الکترونیک، کل محدوده حکومت، دولت و دستگاه‌ها و نیز جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در اینجا بحث از شکل‌گیری یکپارچگی ساختار



شکل ۳- ج - نوع وفاق در دو دیدگاه سوم و چهارم

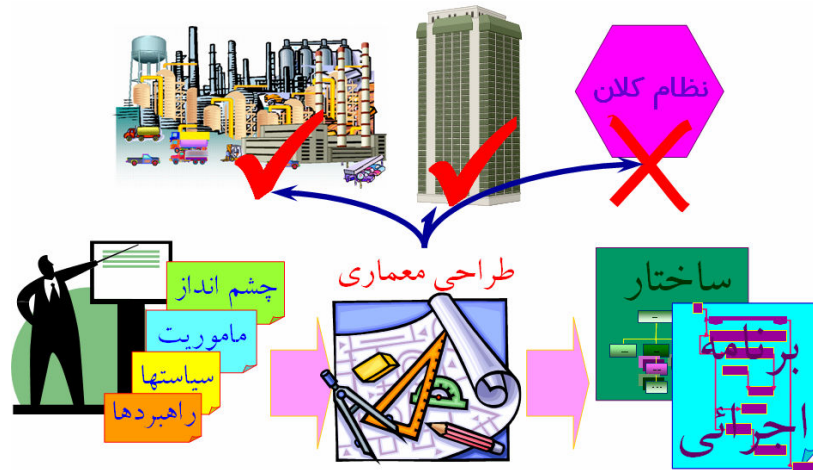
و نوع جدیدی از دولت است. و معماری و سند راهبردی توسعه دولت الکترونیک مبتنی بر این دیدگاهها، باید به توسعه بنیادی ساختار و مفاهیم دولت و رفتارهای آن در بستره فن آوری اطلاعات بپردازد. و ما نیز مبتنی بر همین دیدگاه و نگرش، به مقوله دولت الکترونیک می پردازیم.

۳- رویکردها

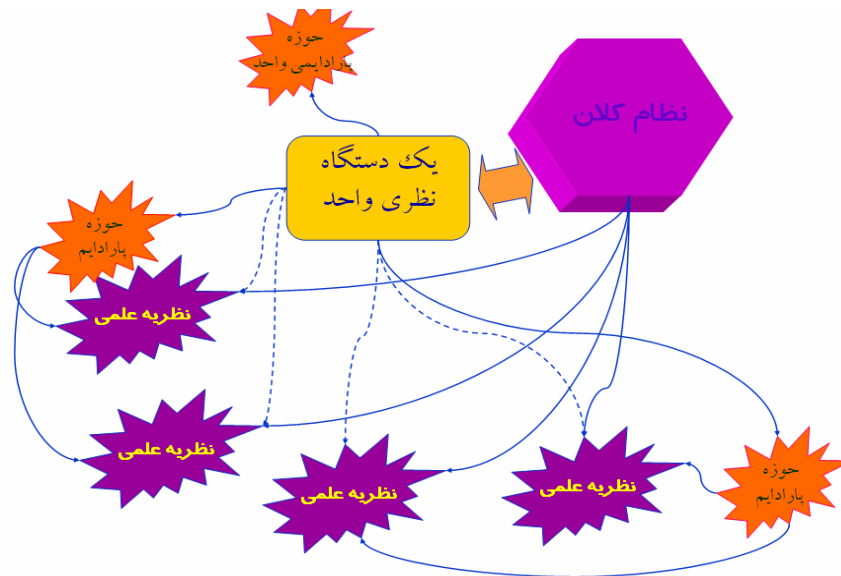
اما رویکرد ما در رسیدن به پدیده دولت الکترونیک چیست؟ رویکرد اتخاذ شده طرح را می توان در دو وجه تبیین نمود. در وجه اول به برنامه ریزی توسعه مبتنی بر طراحی معماری پرداخته می شود. به نظر می رسد خلایبی در فراروند اصلاح ساختاری وجود دارد، چشم انداز، مأموریت و سیاستها را در برنامه ریزی توسعه ترسیم می کنیم، راهبردهایمان را مشخص می کنیم، و بلافاصله مبتنی بر این چشم اندازها، مأموریتها، سیاستها و راهبردها، ساختار عملیاتی و برنامه اجرایی را تبیین می کنیم؛ و انتظار هم داریم که به نتیجه مطلوبی برسیم!

خلائی که در این میان وجود دارد، خلاء طراحی معماری است. در طراحی یک پالایشگاه و یا یک آسمان خراش، این مسئله واضح است. تنها تعیین چشم انداز، مأموریت و راهبرد، برای ایجاد یک آسمان خراش یا پالایشگاه کافی نیست! بلکه این بدیهی است که باید آن آسمان خراش یا پالایشگاه طراحی شود؛ آن هم طراحی مبتنی بر معماری و آنگاه بر اساس این معماری مشخص شود که برای توسعه آن پالایشگاه یا آسمان خراش چه عملیاتی باید انجام گیرد. اما برای برنامه ریزی توسعه یک نظام کلان، ما چنین کاری (طراحی معماری) را نمی کنیم. و این خلائی است که در رویکردهای متداول وجود دارد. در این طرح، به عنوان یک رویکرد، توسعه دولت الکترونیک مبتنی بر طراحی معماری دولت الکترونیک انجام می شود، و برنامه عملیاتی توسعه و راهبردها، مبتنی بر این معماری بنا می شوند. (شکل ۴)

اما تنها زمانی یک معماری می تواند ساختار درستی را ارائه کند که مبتنی بر بنیانهای نظری درستی بنا شده باشد. یک نظام کلان، معمولا مبتنی بر نظریات علمی مختلفی که در پارادایمها و حوزههای پارادایمیک مختلفی قرار دارند، شکل می گیرد. بسیاری از اوقات، این حوزههای پارادایمیک با یکدیگر سازگار نیستند. مثلا، در نظام کلان،



شکل ۴- رویکرد ۱: برنامه‌ریزی توسعه مبتنی بر طراحی معماری-خلاء در فراروند اصلاح ساختاری نظام‌های کلان



شکل ۵- رویکرد ۲: طراحی معماری مبتنی بر دستگاه نظری یکپارچه

قانونی وضع می‌شود که در یک حوزه پارادایمیک قرار دارد و با قانون یا دستورالعملی که در حوزه پارادایمیک دیگری قرار دارد، متناقض است. زمانی می‌توانیم یک نظام کلان را بدرستی تبیین کنیم، که بنیادهای نظری آن نظام کلان در یک حوزه پارادایمیک واحد و مشخص، و در یک دستگاه نظری قرار گیرد، به صورتی که تمام ابعاد نظریات علمی اساسی آن نظام را توصیف کند، و نیز جایگاه و رابطه آنها را با یکدیگر نشان دهد. و معماری نظام مبتنی بر این دستگاه نظری، می‌تواند به یک عقلانیت منسجم در ساختار دست یابد. (شکل ۵)

۴- خروجی فاز صفر

در حال حاضر، در انتهای پروژه فاز صفر، محصولاتی به عنوان خروجی ارائه شده که در شکل ۶ نشان داده شده‌اند. سعی و تلاش اصلی ما در این گام بر آن بوده است که صورت مسئله، چارچوب و ابعاد مهم مسئله مشخص شوند. در این رابطه، سوابق فعالیت‌ها در حوزه دولت الکترونیک در کشور مورد مطالعه قرار گرفته، و همچنین یک مطالعه تطبیقی بر پدیده دولت الکترونیک و فعالیت‌های انجام شده در این حوزه در کشورهای مختلف جهان انجام شده است، که در ادامه اشاره‌ای اجمالی به آن خواهد شد. یکی دیگر از فعالیت‌ها، تبیین چارچوب نظری برای مهندسی



شکل ۶- خروجی های فاز صفر (مبتنی بر رویکردهای اساسی)

نظام های کلان با توجه به رویکردی است که مطرح گردید؛ و بر اساس آن یک چارچوب و متدولوژی برای طراحی معماری نظام های کلان، به عنوان ابزار کار توسعه مبتنی بر رویکرد مورد بحث، تحت عنوان "چم" طراحی و تبیین گردید. مبتنی بر این چارچوب و با توجه به تجربیات مشاهده شده در مطالعه تطبیقی در کشورهای جهان، چارچوب اولیه نظری دولت الکترونیک تبیین و بر اساس آن، دورنمای معماری دولت الکترونیک طراحی شده است. بر اساس این معماری، راهبرد ملی توسعه دولت الکترونیک به عنوان محصول کلیدی طرح تدوین و ارائه گردید. در ادامه، اشاره ای اجمالی به نتایج طرح خواهد شد.

۵- مطالعه تطبیقی

در مطالعه تطبیقی، حدود ۱۸۰ مورد از فعالیت های توسعه دولت الکترونیک در کشورها، دستگاه ها، شهرداری ها، و ... مختلف در جهان مورد بررسی قرار گرفت. سعی ما در این مطالعه، بر آن بود که محورهای فعالیت های انجام شده در حوزه دولت الکترونیک در جهان را بررسی، و در قالب یک جمع بندی از آنچه که در مورد این پدیده در جهان قابل مشاهده، و تعمق و توجه است، ارائه کنیم. (شکل ۷). مواردی نظیر اینکه چه مفاهیم، نظریات، رویکردها، دیدگاه ها، اصطلاحات، روش ها، چشم اندازها، راهبردها، معماری ها، فراروندهای توسعه، ابزارها و استانداردهائی در توسعه دولت الکترونیک در سراسر جهان وجود دارد و مطرح است، در این جمع بندی ارائه گردیده است. در این کار سعی شده است که برداشتی یکپارچه از پدیده دولت الکترونیک در جهان ارائه شود. مواردی که در این بررسی مورد نظر واقع شده اند، شامل: پدیده جامعه اطلاعاتی، تاریخچه و سیر تکاملی دولت الکترونیک، کالبدشکافی دولت الکترونیک، و بررسی های موردی آن می شود.



شکل ۷- مطالعه تطبیقی

نکته قابل توجه آن است که در این مطالعه، تنها دیدگاههای افراد دیگر از کشورهای مختلف جهان مورد بررسی و طرح قرار گرفته و دیدگاههای موجود مطرح شده است، (نه دیدگاه خود، که در مطالعه نظری و طراحی معماری و برنامه ریزی راهبردی بیان می شود). همچنین سوابق دولت الکترونیک در کشور مورد مطالعه اجمالی قرار گرفته، و تبیینی مختصر از مسائل، دیدگاهها و ابعاد حرکت دولت الکترونیک در کشور انجام شده است.^۱

۶- چارچوب دستگاه نظری دولت الکترونیک

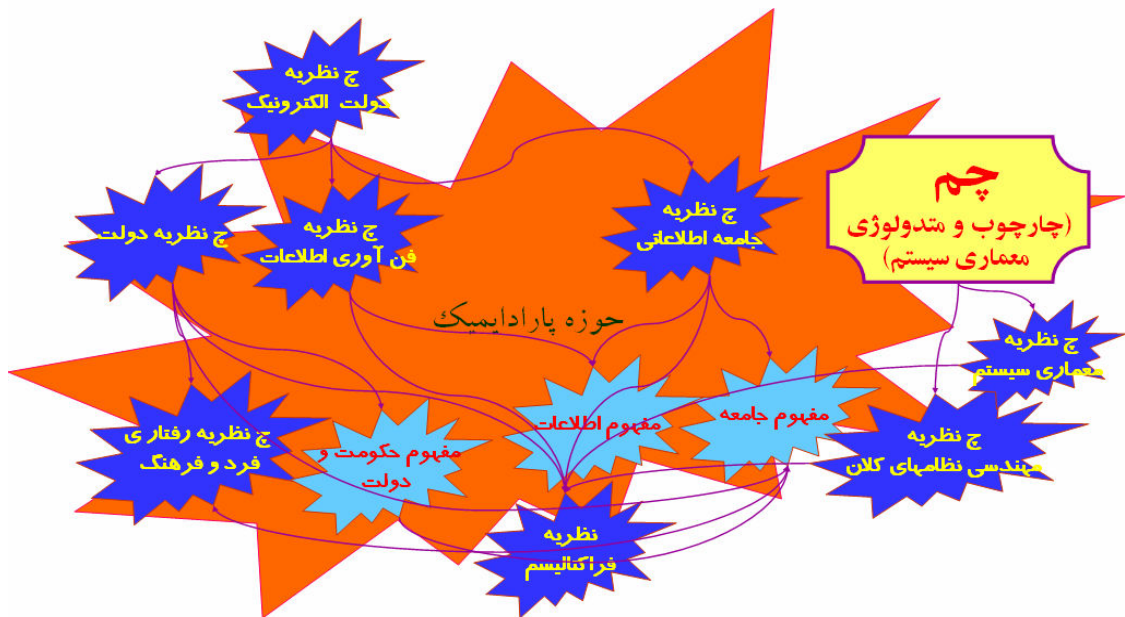
بر اساس رویکرد مورد بحث، نیاز به شکل گیری یک حوزه پارادایمیک واحد برای تبیین پدیده دولت الکترونیک وجود دارد تا دستگاه نظری دولت الکترونیک مبتنی بر آن بنا شود. این حوزه پارادایمیک، باید ابعاد پارادایمهای اساسی در نظریات علمی مختلف مطرح در این حوزه را پوشش دهد. در واقع، نظریه دولت الکترونیک باید مبتنی بر تبیین چند نظریه علمی دیگر در این پارادایم بیان شود. (شکل ۸- الف)

با توجه به اینکه مقوله دولت و حکومت، یک محور اساسی پدیده دولت الکترونیک محسوب می شود، از یک سو، باید نظریه دولت در علم سیاست مورد بررسی قرار گیرد و ابعاد آن تبیین شود. این نظریه دولت، مبتنی بر ارائه نظریه رفتاری فرد و فرهنگ انجام می شود. از سوی دیگر، باید نظریه فن آوری اطلاعات و نظریه جامعه اطلاعاتی مبتنی بر مفهوم اطلاعات و مفهوم جامعه و برخی نظرات دیگر تبیین گردند.

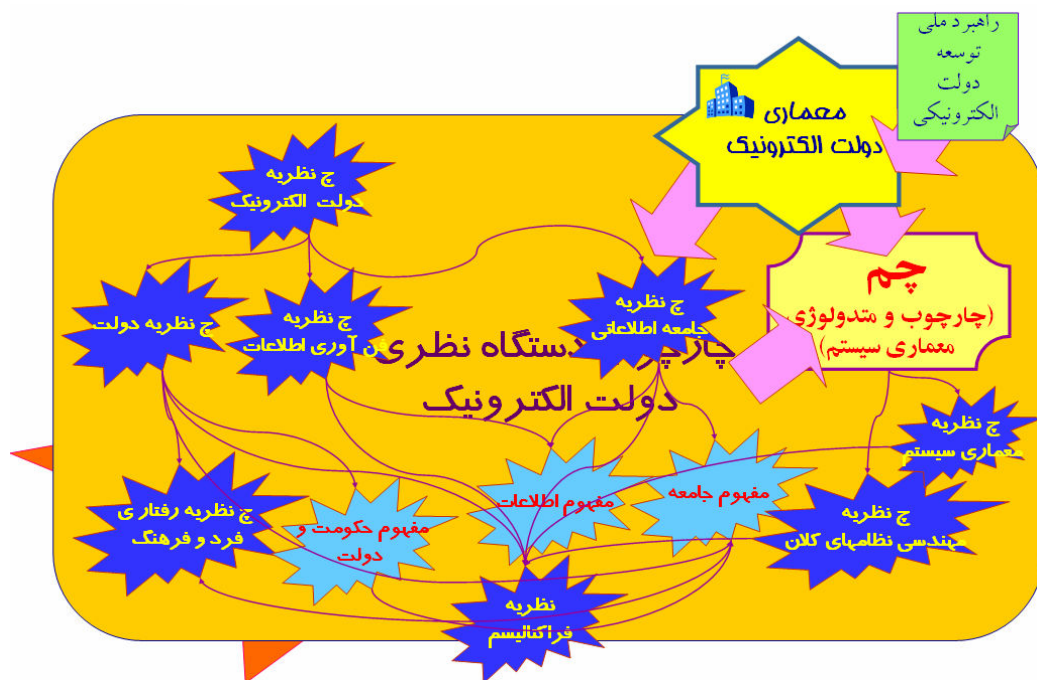
و از طرف دیگر، چارچوب و متدولوژی چم، مبتنی بر نظریه مهندسی نظامهای کلان و نظریه معماری سیستم بنا می شود.

برای اینکه امکان پیوند و سازگاری این حوزههای نظری با هم و در قالب یک بستره نظری برای یک معماری عملیاتی فراهم آید، نیاز به تبیین نوعی از پدیدههای ساختاری است که بتواند ساختارهای به ظاهر متفاوت و جوه نظری و عملیاتی در حوزههای مطرح شده را، در قالب یک پدیده، یا مجموعه پدیده واحد تبیین کند. این مهم در نظریه فراکتالیسم با تبیین ساختارهای فراکتالی به عنوان الگوی سامان دهنده این مجموعه پدیده واحد، صورت می گیرد. فراکتالیسم را می توان یک رویکرد و مکتب طراحی نظامهای کلان دانست.

^۱ - نتایج این مطالعه تطبیقی، در قالب یک کتاب برای انتشار آماده گردیده است.



شکل ۸- الف - حوزه پارادایمیک دولت الکترونیک



شکل ۸- ب - چارچوب دستگاه نظری دولت الکترونیک

با پیوند این مولفه‌ها با یکدیگر در قالب یک حوزه پارادایمیک، نظریه دولت الکترونیک و چارچوب دستگاه نظری دولت الکترونیک شکل می‌گیرد. چارچوبی که می‌تواند مبنای مناسبی برای شکل‌گیری معماری دولت الکترونیک باشد. و بر اساس آن معماری نیز راهبرد ملی توسعه دولت الکترونیک تبیین گردد (شکل ۸-ب).

در این چارچوب نظری از یک سو، ادراک و رفتار افراد مدل‌سازی شده، و پدیده‌های محوری آن تبیین می‌شود؛ و مبتنی بر آن، پدیده فرهنگ تعریف شده و ابعاد کلی و مکانیزم بنیادی شکل‌گیری و پدیده‌های محوری آن مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. و بر اساس آن، پدیده جامعه تعریف، ابعاد کلیدی آن مشخص، و مکانیزم بنیادین



شکل ۹ - مولفه ها و ابعاد چارچوب نظری دولت الکترونیک

شکل گیری یک رفتار واحد در آن مورد بحث قرار می گیرد. همچنین، حکومت و دولت تعریف، و ابعاد کلیدی آنها معرفی شده و خصوصیات، ملزومات و دینامیسم دولت اختصاصاً مورد تأمل مختصر قرار می گیرد. (شکل ۹) از سوی دیگر، با تبیین ابعاد و تعریف پدیده اطلاعات، و نیز تعریف و تبیین ماهیت پدیده فن آوری اطلاعات و ارتباطات، و بررسی طیف و لایه های انواع اثرات در این پدیده، و بر اساس تبیینی که از پدیده جامعه انجام شد، پدیده جامعه اطلاعاتی مورد توجه و بحث قرار گرفته و ابعاد کلیدی آن تبیین و خصوصیات، ملزومات، و عوارض آن، ضمن ارائه تعریفی از آن بیان می شود.

در وجه دیگر این دستگاه نظری، فراکتالیسم تعریف و ابعاد کلیدی آن بیان شده، و ضمن بحث بر خصوصیات، ملزومات، ارکان و اصول این مکتب و ساختارهای تبیین شده در آن (ساختارهای فراکتالی)، رویکرد طراحی در این مکتب مورد مذاقه قرار می گیرد.

در نهایت، بر اساس جمع بندی و یکپارچه سازی ابعاد مطرح شده فوق، پدیده های حکومت الکترونیک و دولت الکترونیک تعریف، ابعاد کلیدی آنها تبیین و ارتباط و تفاوت های آنها با یکدیگر و کارکردها، پیامدها، عوارض، ملزومات و ارکان دولت الکترونیک بیان می شود.

در ادامه، به اجمال به برخی از وجوه اساسی نتایج این دستگاه نظری اشاره می شود.

۷- حکومت الکترونیک - دولت الکترونیک

حکومت، در تعامل و وابستگی با جامعه است. جامعه در حال حرکت به سمت جامعه اطلاعاتی است. اگر حکومت نتواند ساختار مناسبی برای حکومت و عمل در جامعه اطلاعاتی به خود بگیرد، نمی تواند نیازهای این جامعه را برآورده کرده و شکست می خورد. حکومت الزاماً باید به سمت حکومت الکترونیک حرکت نماید، تا بتواند نیازهای این جامعه را پوشش دهد (شکل ۱۰).



شکل ۱۰- حکومت الکترونیکی برای جامعه اطلاعاتی



شکل ۱۱- مسئله اصلی در رابطه جامعه و حکومت

اما مسئله اساسی که در رابطه جامعه و حکومت وجود دارد، چیست؟ هر فرد، یک روح، رفتار و بستره و فضای تصمیم گیری مخصوص به خود دارد. جامعه را نیز می توان دارای یک روح واحد دانست که رفتار واحد و یکپارچه ای از آن قابل مشاهده است. در جامعه نیز مانند فرد، یک فضای تصمیم گیری قابل تصور است که تصمیمات جامعه و رفتارهای ناشی از این تصمیمات، در پهنه و بستر این فضای تصمیم گیری، و با توجه به عوامل جهت دهنده، محدودکننده، محرک و نطائر آن، و قواعد نهفته در آن، اتخاذ می شود. حال این سوال مطرح است که چگونه یک جامعه متشکل از افراد مختلف، با انگیزه ها، خصوصیات و خلق و خوهای مختلف، رفتار واحدی را از خود بروز می دهد، و میدان تصمیم گیری واحدی برای آن قابل تصور است. پاسخ را باید در تبیین نیرو و قوای پنهان و نامرئی دانست که همانند یک موتور اصلی نهفته در بطن جامعه، رفتارهای یکپارچه ای را از کل جامعه به عنوان یک موجود واحد و دارای روح بروز می دهد^۱ (شکل ۱۱). این موتور، قوایی است که تصمیمات افراد جامعه را به تصمیمات کل و یکپارچه تبدیل می کند.

^۱ - در این چکیده، بدلیل محدودیت های موجود، سعی در تبیین ماهیت این قوای پنهان نداریم. در بحث نظری به باری و خواست خداوند متعال، مفصلاً به این موضوع پرداخته می شود.



شکل ۱۲- شکل گیری روح دولت

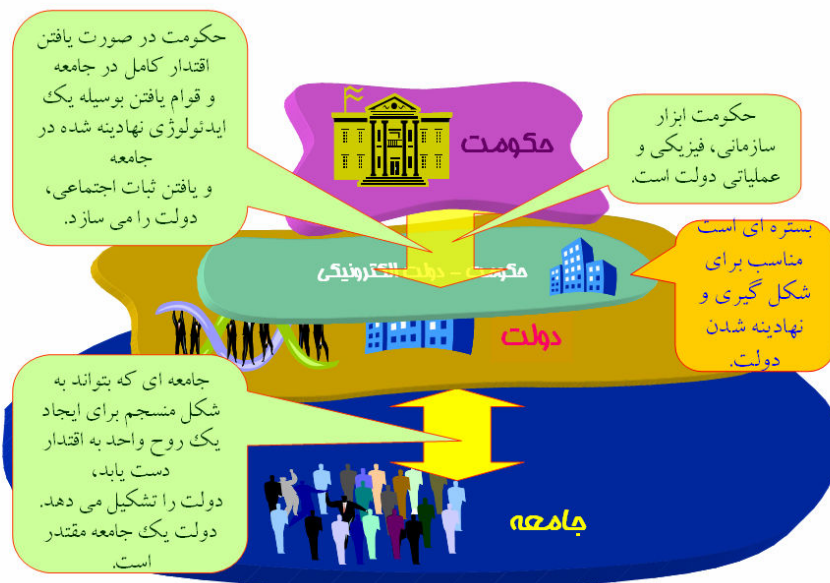
از طرف دیگر، حکومت نیز دارای روح واحدی است، رفتار مشخصی دارد، و بستره و فضای تصمیم گیری مشخصی برای آن قابل تصور است.

اما روابط بین پدیده جامعه و حکومت، روابطی به شکل انتخاب و دستور است. جامعه، حکومت را انتخاب می کند، حکومت هم به جامعه دستور می دهد. مسئله اصلی این است که تصمیمات افراد جامعه، به عنوان موجودات مختار، مستقل، دارای قدرت تصمیم گیری و عقاید و فرارفتارهای خاص، لزوماً با تصمیمات حکومت هم راستا نیست. و تصمیمات حکومت نیز تصمیمات مردم و جامعه نیست. به عبارت دیگر، تصمیمات حکومت درونی نشده است. یعنی همانطور که در جامعه یک هنجار شکل می گیرد، بدون آنکه قوانین و مقررات خاصی وضع شود، در جامعه رفتار خاصی توسط عامه مردم، از طرز لباس پوشیدن، طرز رفتار، و نظایر آن هم جهت و در راستای تصمیمات و برنامه های حکومت شکل گیرد.

ولی تصمیمات حکومتی به این شکل نتوانسته در بدنه حکومت جای بگیرد و درونی شود. در صورتی که حکومت بتواند از این قوای محرکه که ما آن را موتور اصلی جامعه نامیدیم، استفاده کند، و تصمیمات و رفتارش را در جامعه درونی نماید؛ و پیوستگی و تعامل مناسب بین بستره و فضاهای تصمیم گیری در حکومت، جامعه و افراد ایجاد شود؛ بستره تصمیم گیری و رفتار حکومت، از حالت دستوری به حالت درونی تبدیل می شود. مثلاً وقتی که دولت می خواهد مسئله کمر بند ایمنی را در جامعه حل نماید، آن را به شکل یک هنجار در جامعه ایجاد کند، و مردم به واسطه این هنجار، مجبور شوند کمر بند ایمنی را ببندند، نه به واسطه برگه جریمه افسر پلیس. در این حالت است که دولت می تواند با آن مفهوم گفته شده، شکل گرفته، و روح دولت ایجاد شود، و بستره و فضای تصمیم گیری مشخصی برای دولت پدیدار شود، و رفتار مشخصی هم برای دولت به عنوان موجودیت واحد که مجموعه جامعه و حکومت را دربر دارد، قابل تبیین باشد (شکل ۱۲ و ۱۳). این در صورتی است که جامعه و حکومت به یک عقلانیت واحد و متعالی دست پیدا کنند. بستره و فضای تصمیم گیری دولت با بستره و فضای تصمیم گیری حکومت، جامعه و مردم مشترک و تعامل است. این مستلزم آن است که ما بتوانیم اقدامات حکومت و از جمله این طرح را درونی کنیم. و البته نه حل شدن حکومت در امیال و خواسته های مردم.

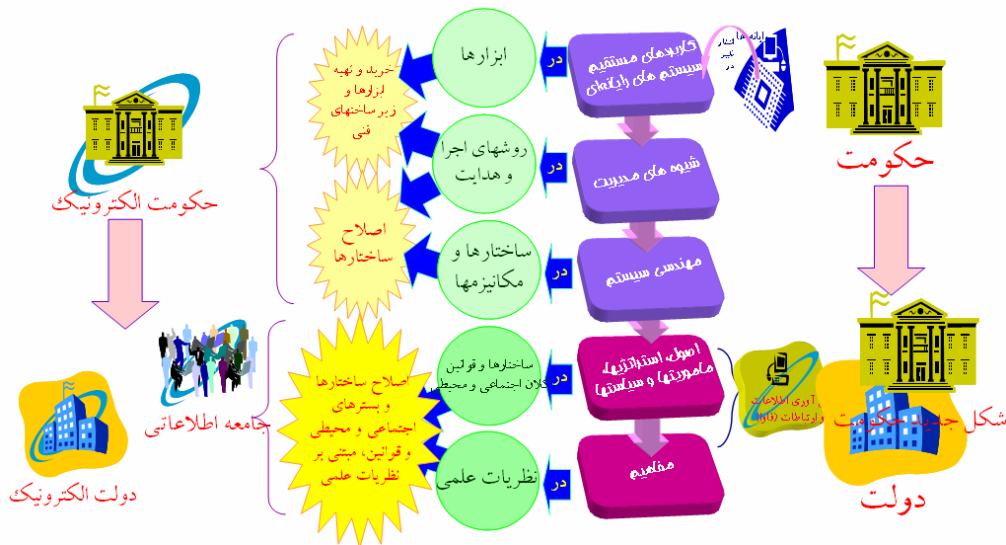


شکل ۱۳- بستره و فضای تصمیم گیری دولت



شکل ۱۴- جامعه، حکومت و دولت

تصمیمات دولت و رفتار آن، با تصمیمات جامعه و رفتار آنها، ارتباط مستقیمی دارد. نه به شکل یک تصمیم از حکومت و اجرای آن توسط مردم. به عبارتی دیگر، جامعه ای که بتواند به شکل منسجم، برای ایجاد یک روح واحد به اقتدار دست یابد، دولت را تشکیل می دهد. دولت، یک جامعه مقتدر است. حکومت، ابزار سازمانی، فیزیکی و عملیاتی دولت است. از این رو، زمانی که حکومت بتواند در جامعه اقتدار کامل پیدا کند، و به وسیله یک ایدئولوژی نهادینه شده در جامعه قوام یابد، یک دولت ایجاد می شود. در این میان، حکومت الکترونیک یا دولت الکترونیک، بستره مناسب برای نهادینه شدن دولت را تبیین می کند. (شکل ۱۴)



شکل ۱۵- فن آوری اطلاعات در خدمت حکومت و دولت - ابزار تحول حکومت و دولت

۸- فن آوری اطلاعات در خدمت حکومت و دولت : ابزار یا تحول حکومت و دولت

فن آوری اطلاعات در دولت چه نقشی دارد؟ حکومت، می تواند ابزارهای رایانه ای را در فعالیت های خود بکار گیرد. اما این بکارگیری در چه لایه ای، انجام می شود؟ بکارگیری ابزار در یک لایه، می تواند در کاربردهای مستقیم سیستم های رایانه ای رخ دهد. یعنی اینکه در همان حوزه سیستم مربوطه می توان از آنها استفاده، و اثرات آنها را مشاهده کرد. ولی تغییر و تحول تنها در این لایه باقی نمی ماند، بلکه منجر به آن می شود که شیوه های مدیریت نیز تغییر کنند و نه تنها سیستم ها، بلکه راهبردها و ماموریت ها و سیاست ها نیز دچار تغییر و تحول می شوند. همچنین، تغییرات منحصر به این محدوده نیز نمی شود، بلکه مفاهیم هم تغییر می کنند و مفاهیم جدیدتری شکل می گیرند (شکل ۱۵).

در درک و فعال شدن هر یک از لایه های ذکر شده، نوع متفاوتی از برنامه ریزی رخ می دهد و مدنظر است. در لایه های اول و دوم، نوع برنامه ریزی توسعه، خرید و تهیه ابزارها و زیرساخت های فنی است. برنامه ریزی توسعه ای که فن آوری اطلاعات را تنها در این دو لایه درک کرده باشد، در خرید و تهیه ابزارها و زیرساخت ها محصور می ماند. اما در صورت درک لایه های دوم و سوم، ساختارها در برنامه ریزی توسعه مورد توجه، تغییر می یابند. اما در صورت درک لایه های چهارم و پنجم در برنامه ریزی توسعه، ساختارها و بسترهای اجتماعی اصلاح شده و قوانین، مبتنی بر نظریه های علمی جدید شکل می گیرند. فن آوری اطلاعات، عمدتاً به لایه های چهارم و پنجم می پردازد. اگر حکومت بخواهد به شکل جدیدی از حکومت و دولت برسد، باقی ماندن در درک سه لایه اول تنها می تواند منجر به شکل گیری حکومت الکترونیکی شود. اما اگر بخواهیم در جامعه اطلاعاتی به دولت الکترونیک دست پیدا کنیم، باید پدیده فن آوری اطلاعات را در دو لایه پایینی جستجو و درک کنیم. در چنین صورتی تحقق پدیده دولت امکان پذیر شده و دولت الکترونیکی می تواند ظهور یابد.

۹- ابعاد اساسی تبیین پدیده دولت الکترونیک

پدیده دولت الکترونیک، ابعاد مختلفی دارد. این ابعاد، شامل کارکردها، ملزومات، پیامدها، عوارض، خصوصیات، هدف بنیادین است. در بحث نظری مفصلاً به آنها پرداخته خواهد شد. در این قسمت، بطور خلاصه به برخی از آنها اشاره می کنیم (شکل ۱۶).



شکل ۱۶- ابعاد اساسی تبیین پدیده دولت الکترونیک

کارکردهای مطلوب دولت الکترونیک عبارت است از فراهم سازی بسترهای:

- آگاهی از وقایع و حقایق جامعه، حکومت و دولت
- نظارت متقابل مردم - حکومت
- پاسخگویی متقابل حکومت - مردم
- بهبود خدمات عمومی حکومت به مردم
- سنجش و ارزیابی فعالیتهای دولت و جامعه
- تدبیر برای برنامه ریزی
- تدبیر برای سازماندهی و بهبود ساختار
- شناخت عمیق تر مسائل و امور کوچک و بزرگ جامعه
- تعامل در حکومت
- تسهیل عملیات، معاملات و فعالیتهای در جامعه و دولت
- انجام فنی و کارشناسی شده فعالیتهای
- تصمیم گیری به شکل توزیع شده و علمی
- پاداش و تنبیه مناسب
- سهولت دستیابی مردم - حکومت
- تسهیل رسیدگی و رفع مشکلات و امور کوچک و بزرگ مردم در هر سطح جامعه
- رسیدگی، شناخت و مدیریت منابع
- پیگیری فعالیتهای و اقدامات
- واکنش سریع
- مدیریت بحران
- هماهنگی و همگرایی پژوهشهای کاربردی
- شبیه سازی و تحلیل فعالیتهای
- راهبرد و سیاستگذاری کشور
- ساماندهی و بهبود و تکامل قوانین

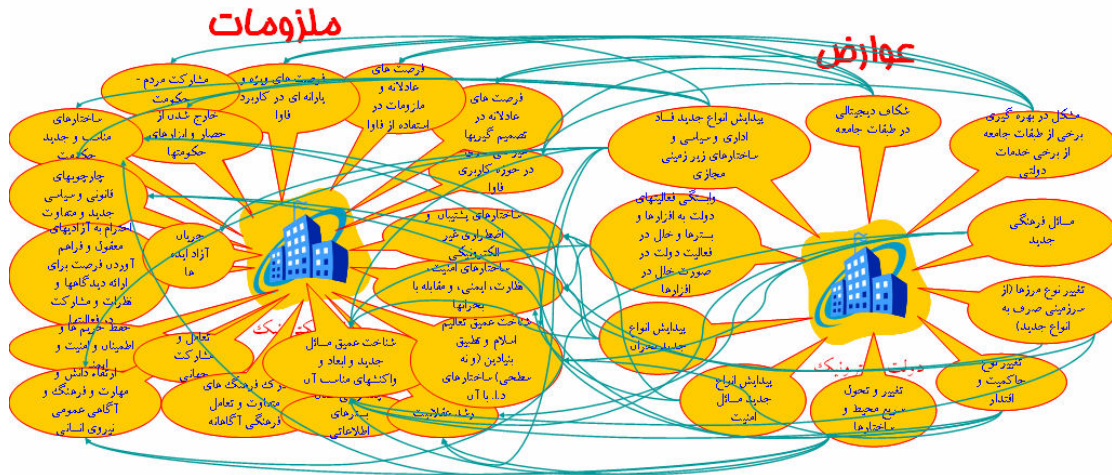


- هماهنگی داخلی و بیرونی دولت و جامعه
- تبلیغات و فرهنگ سازی ملی
- کسب و بسط دانش
- امنیت و ایمنی ملی و جامعه

زمانی می توان گفت که دولت الکترونیک مطلوب شکل گرفته و کارکردهای مناسبی دارد که این بسترها فراهم آمده باشند. کارکردهائی که می توانند به تحقق پیامدهایی در جامعه منجر شوند.

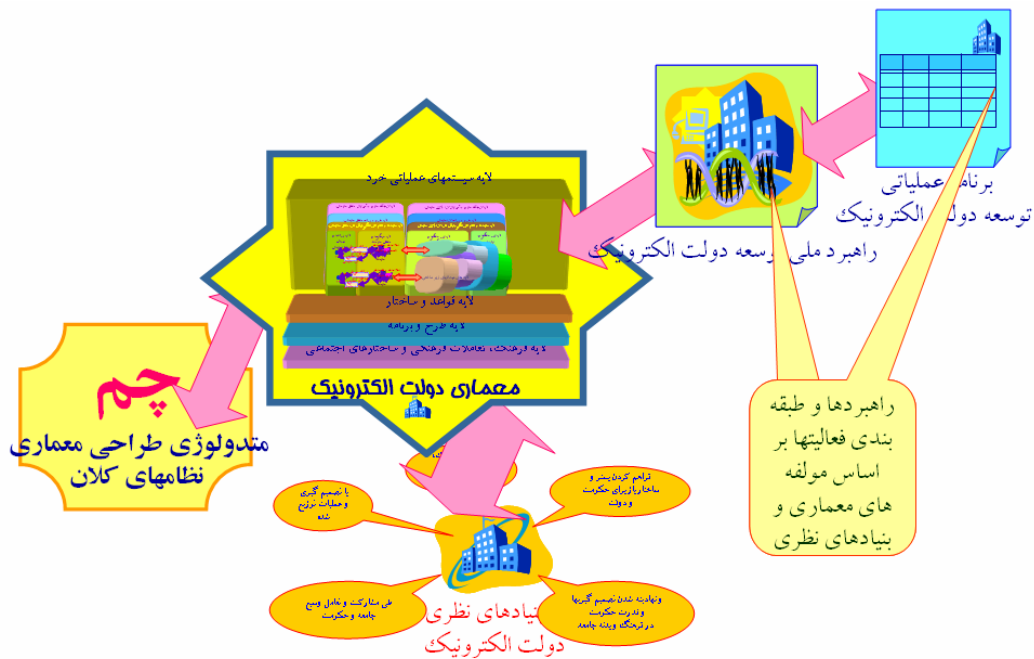
پیامدهای مطلوب و ممکن دولت الکترونیک، عبارتند از :

- کارائی بیشتر ساختارهای حکومتی
 - بهره وری منابع
 - کاهش اصطکاک در تعاملات
 - تحکیم اقتدار ملی و دولت
 - افزایش شفافیت
 - کوچک شدن ساختار حکومت
 - بهبود کیفیت زندگی، افزایش رفاه و کاهش فقر
 - تحقق مشروعیت بیشتر و ایجاد حسن ظن و جلب رضایت مردم
 - استفاده از پتانسیل های نهفته در جامعه و رشد استعدادها و خلاقیت
 - انعطاف پذیری، خود سازماندهی و تعادل و تطابق با تحولات سریع، و نیازمندیهای محیط
 - یکپارچگی بیشتر حکومت - جامعه
 - ارتقاء عقلانیت جامعه و دولت
 - افزایش آزادی عمل شهروندان
 - ایجاد انگیزه در حرکت برای سازندگی و بهبود
 - نهادینه شدن حکومت در جامعه
 - همراه ساختن افکار عمومی در برنامه های حکومت
 - ایجاد نظم پایدار و با ثبات
 - ارتقاء سلامت و کاهش فساد در حکومت - دولت
 - تحقق عدالت برتر
 - تعالی جامعه و دولت
 - فراهم شدن بهتر زمینه تحقق و عملی شدن دولت اخلاقی و کریمه طبق تعالیم عالیه اسلام
- در تحقق دولت الکترونیک، باید عوارض احتمالی مورد توجه قرار گیرد، و حتی الامکان پیش بینی های لازم برای کاهش یا تعامل مطلوب با آنها صورت گیرد. از جمله این عوارض عبارتند از (شکل ۱۷) :
- مشکل در بهره گیری برخی از طبقات جامعه از برخی خدمات دولتی
 - شکاف دیجیتالی در طبقات جامعه
 - پیدایش انواع جدید فساد اداری و سیاسی و ساختارهای زیر زمینی مجازی
 - وابستگی فعالیتهای دولت به افزارها و بسترها و خلل در فعالیت دولت در صورت خلل در افزارها
 - پیدایش انواع جدید بحران



شکل ۱۷- ملزومات: پیش بینی برای کاهش عوارض فراهم ساختن بستره

- پیدایش انواع جدید مسائل امنیت
 - تغییر و تحول سریع محیط و ساختارها
 - تغییر نوع حاکمیت و اقتدار
 - تغییر نوع مرزها (از سرزمینی صرف به انواع جدید)
 - بوجود آمدن زمینه ها و مسائل فرهنگی جدید
- و نیز ملزوماتی که باید مورد توجه قرار گیرند تا دولت الکترونیک شکل گیرد. ملزومات بنیادین تحقق دولت الکترونیک عبارتند از:
- فرصت های عادلانه در تصمیم گیریها
 - فرصت های عادلانه و ملزومات در استفاده از فاوا
 - فرصت های ویژه و یارانه ای در کاربرد فاوا
 - مشارکت مردم - حکومت
 - خارج شدن از حصار و ابزارهای حکومتها
 - ساختارهای مناسب و جدید حکومت
 - چارچوبهای قانونی و سیاسی جدید و متفاوت
 - جریان آزاد ایده ها
 - احترام به آزادیهای معقول و فراهم آوردن فرصت برای ارائه دیدگاهها و نظرات و مشارکت در فعالیتها
 - حفظ حریم ها و اطمینان و امنیت و ایمنی
 - تعامل و مشارکت جهانی
 - ارتقاء دانش و مهارت و فرهنگ و آگاهی عمومی نیروی انسانی
 - درک فرهنگ های متفاوت و تعامل فرهنگی آگاهانه
 - شناخت عمیق مسائل جدید و ابعاد و واکنشهای مناسب آن
 - غیر فنی سازی در حوزه کاربری فاوا
 - چند زبانی شدن بسترهای اطلاعاتی
 - رشد عقلانیت



شکل ۱۸- از بنیادهای نظری تا برنامه عملیاتی

- شناخت عمیق تعالیم اسلام و تطبیق بنیادین (و نه سطحی) ساختارهای د.ا. با آن
- ساختارهای امنیت، نظارت، ایمنی، و مقابله با بحرانها
- ساختارهای پشتیبان و اضطراری غیر الکترونیکی
- ساختارهای فنی بستره فاوا

نکته مهم آن است که این ملزومات باید بتواند عوارض را به حداقل برساند. به عبارت دیگر، این عوارض باید توسط ملزومات تبیین شده پوشش داده شود، و باید بتوان نشان داد که این ملزومات چگونه عوارض را کاهش داده و به حداقل رسانده و یا تعامل مناسب را با آنها برقرار می‌نمایند (شکل ۱۷).

۱۰- محورهای اساسی معماری دولت الکترونیک

چارچوب نظری تبیین شده دولت الکترونیک، ما را به اتخاذ چند محور اساسی برای شکل‌گیری بنیادهای معماری دولت الکترونیک سوق می‌دهد. محورهای اساسی معماری دولت الکترونیک، برای تحقق کارکردها و پیامدهای مطلوب، و کاهش یا تعامل مطلوب با عوارض، عبارتند از:

- فراهم کردن بستر و ساختار باز برای حکومت و دولت
- بصورت ارگانیک، زنده و خود سازمانده،
- با تصمیم‌گیری و عملیات توزیع شده
- طی مشارکت و تعامل وسیع جامعه و حکومت
- و نهادینه شدن تصمیم‌گیریها و قدرت حکومت در فرهنگ و بدنه جامعه

مبتنی بر بنیان‌های نظری و محورهای بنیادین معماری و چارچوب معماری، دورنمای معماری دولت الکترونیک شکل گرفته و راهبرد توسعه ملی دولت الکترونیک و برنامه عملیاتی آن بر اساس آن ایجاد شده است (شکل ۱۸). نکته قابل توجه آن است که طبقه‌بندی محورها و فعالیت‌های برنامه عملیاتی و راهبرد ملی توسعه، بر اساس مولفه‌های معماری صورت گرفته است. راهبردهای اتخاذ شده، گام‌های تحقق و مسیر توسعه، خصوصیات مورد انتظار از



هر مرحله از تحقق دولت الکترونیک مطلوب، مبتنی بر توصیفی است که اولاً چارچوب نظری از پدیده دولت الکترونیک ارائه می‌کند، و ثانياً معماری از ابعاد، مولفه‌ها، هم‌بندی و ترکیب ساختار دولت الکترونیک ترسیم می‌کند.

۱۱- چشم انداز دولت الکترونیک در سال ۱۴۰۰

بر اساس توصیف و تبیین انجام‌شده در چارچوب نظری دولت الکترونیک، و در صورت تحقق ساختار ارائه‌شده در طراحی معماری دولت الکترونیک، چشم‌انداز مطلوب و ممکن دولت الکترونیک کشور در سال ۱۴۰۰ دارای چنین ویژگی‌هایی خواهد بود:

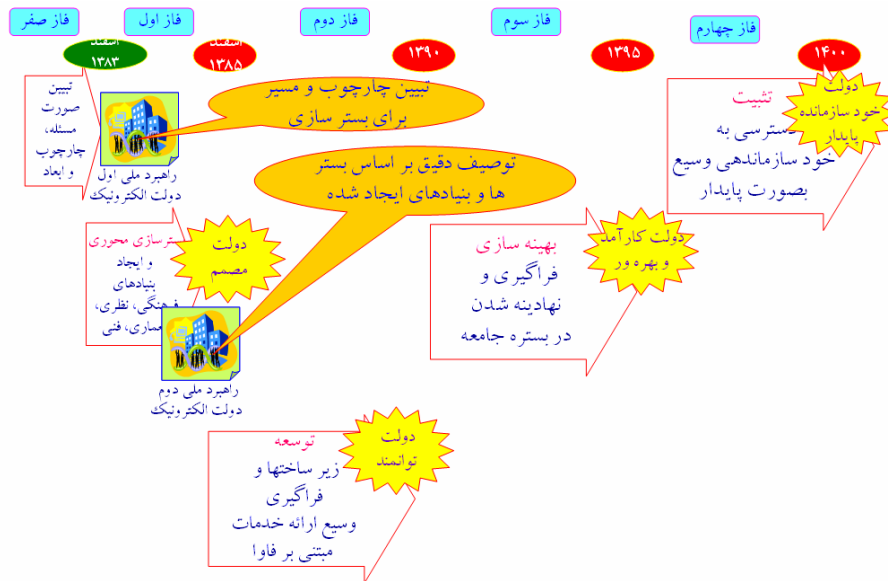
- با ارزشها و آرمانهای متعالی و توانمند در برقراری عدالت برتر
 - کارآمد و بهره‌ور
 - با ارائه فراگیر خدمات در بستره فاوا
 - با دارا بودن نقش اساسی بستره فاوا در آن در بهبود کیفیت زندگی، افزایش رفاه و کاهش فقر
 - بطور جدی بهره‌مند از مشارکت، همکاری و همفکری شهروندان در برنامه ریزیها، تصمیم‌گیریها و فعالیتهای
 - موفق در تحقق مشروعیت بیشتر و ایجاد حسن ظن و جلب رضایت مردم
 - با حکومت یکپارچه و نهادینه شده در بستره جامعه، دارای بستر رشد عقلانیت، استعدادها و خلاقیت،
 - بطور جدی بهره‌مند از نیروی بنیادین و پتانسیل‌های نهفته در جامعه
 - فعال، انعطاف‌پذیر، پویا و خودسازمانده و مطابق با نیازهای محیط
 - مقتدر، پایدار و با ثبات در بستر مشروعیت اجتماعی
 - در سطح بالائی از شفافیت، سلامت و رفع فساد
- که بستر تحقق و عملی‌شدن دولت اخلاقی و کریمه طبق تعالیم عالیه اسلام را فراهم کرده است.

۱۲- مسیر تحقق

اما مسیر لازم برای تحقق چگونه است؟ اکنون (اسفند ۱۳۸۳) در انتهای فاز صفر، صورت مسئله، چارچوب و ابعاد اصلی مسئله مورد تبیین قرار گرفته، و پیش‌نویس راهبرد ملی اول دولت الکترونیک تدوین شده است (شکل ۱۹).

تحقق دولت الکترونیک در چهار فاز صورت می‌گیرد، فازهای تحقق دولت الکترونیک عبارتند از:

- فاز اول: بستر سازی محوری و ایجاد بنیادهای فرهنگی، نظری، معماری و فنی برای دستیابی به دولت مصمم. دولت مصمم دولتی است که اصلاحات در بستره فاوا در میدان نظری دولت اسلامی، و ارزش آن را می‌شناسد، به آن احساس نیاز می‌کند، بطور جدی و مصمم آن را طلب می‌کند، و ملزومات آن را فراهم می‌کند.
- فاز دوم: توسعه زیر ساختها و فراگیری وسیع ارائه خدمات مبتنی بر فاوا، برای دستیابی به دولت توانمند. دولت توانمند دولتی است که در بکارگیری توانمندیهای فاوا، در بستره دولت اسلامی توانمند است، فعالیتهای خدمات خود را بطور گسترده در بستره فاوا انجام و ارائه می‌دهد، و خدمت‌رسانی مبتنی بر فاوا در تمام حوزه‌های فعالیت دولت فراگیر است.



شکل ۱۹- مسیر تحقق

- فاز سوم: بهینه‌سازی، فراگیری و نهادینه شدن در بستره جامعه، برای دستیابی به دولت کارآمد و بهره‌ور. دولت کارآمد و بهره‌ور دولتی است که در بکارگیری توانمندیهای فاوا به بهره‌وری و استفاده از حداکثر منابع با حداکثر کارایی می‌رسد، یکپارچگی و خودسازماندهی را در این بهره‌وری به نحو موثر فرامی‌خواند.
- فاز چهارم: تثبیت دسترسی به خود سازماندهی وسیع بصورت پایدار، برای دستیابی به دولت خودسازمانده پایدار. دولت خود سازمانده پایدار دولتی است که در بهره‌وری به صورت خودسازمانده و تکامل یابنده به پایداری رسیده است؛ و بستری برای دولت کریمه اسلامی است.

۱۳- خصوصیات چهار مرحله رشد دولت در تحقق ابعاد لایه‌های معماری

برای تحقق ابعاد لایه‌های معماری دولت الکترونیک در فازها، باید خصوصیات هر کدام از چهار دولت بیان شده، شناسائی شوند (شکل ۲۰).

در دولت مصمم، و در لایه فرهنگ آن که اولین لایه از لایه‌های بنیادی معماری است، به شناخت فرهنگ دولت الکترونیک، در لایه دوم که لایه طرح و برنامه است، سازوکار و متدولوژی مناسب طرح و برنامه، در لایه قوانین ساختار، قوانین و مقررات بنیادی، و در لایه سیستم‌های خرد، خدمات نمونه موثر دولت الکترونیک تحقق پیدا می‌کند.



شکل ۲۰- لایه های معماری دولت الکترونیک در فازهای چهارگانه

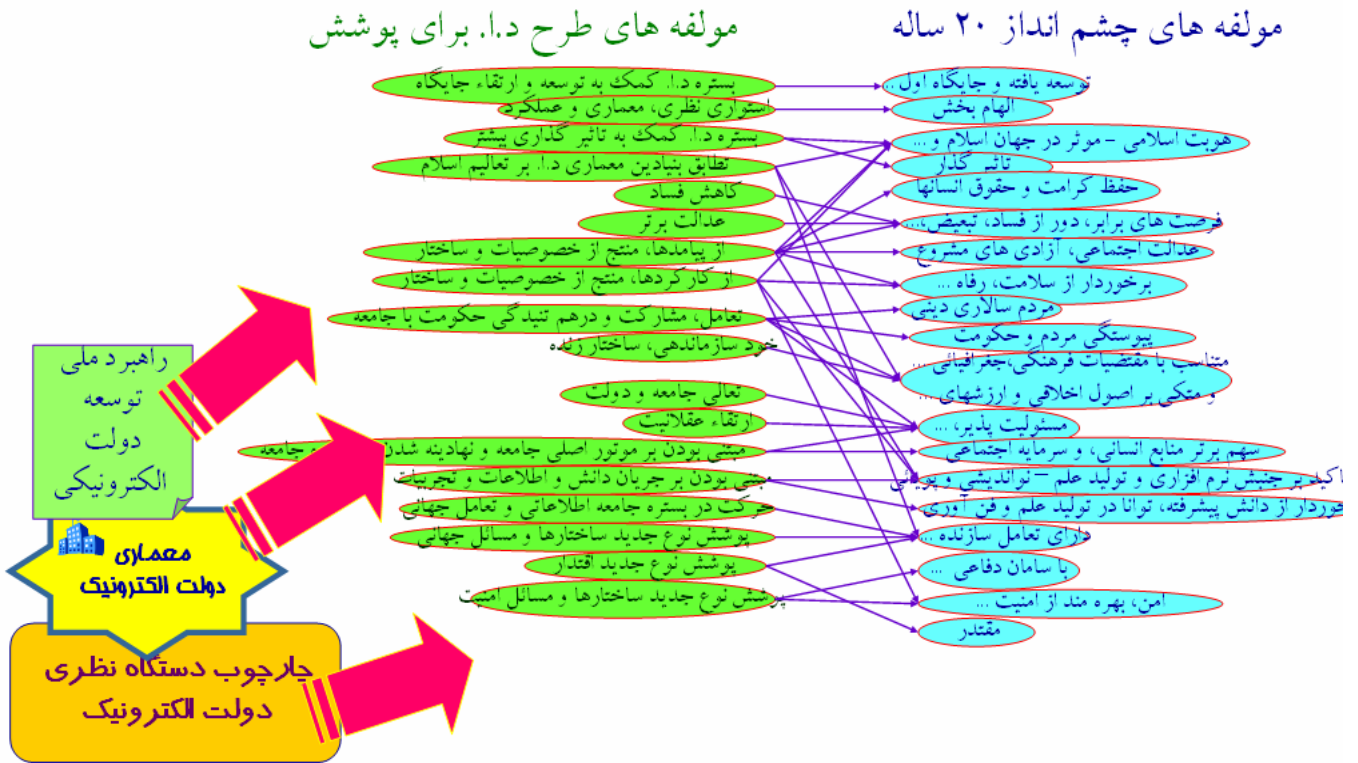
در دولت توانمند، باید بسترسازی فرهنگی صورت گیرد، طرح و برنامه به طرح و برنامه فعال تبدیل شود، به قوانین و مقررات فراگیری دست پیدا کنیم، که این قوانین و مقررات، در تمام قوانین فراگیر شده، و در نهایت، خدمات فراگیری بوجود آید.

در دولت کارآمد و بهره‌ور، باید فرهنگ نهادینه شود، طرح و برنامه را بشکل خود سازمانده تبدیل کرد، قوانین و مقررات را علاوه بر اینکه فراگیر شده‌اند به شکل یکپارچه درآورد، خدمات فراگیر شده در تمام دولت باید یکپارچه شود، تا به دولتی کارآمد و بهره‌ور دست پیدا کنیم.

در دولت خودسازمانده پایدار، فرهنگ به صورت پایدار و ماندگار در می‌آید، نظام طرح و برنامه به صورت خودسازمانده پایدار درآمده، خودسازماندهی در بطن قوانین و مقررات نهادینه می‌شود، و خدمات یکپارچه فراگیر خودسازمانده پایداری ایجاد و ارائه می‌شود.

۱۴- طرح دولت الکترونیک: پوشش مولفه‌های چشم انداز ۲۰ ساله

آیا دولت الکترونیک ترسیم شده، چشم انداز ۲۰ ساله کشور را پوشش می‌دهد؟ پاسخ مثبت است، چارچوب دولت الکترونیک، مشخص می‌کند که مولفه‌های طرح که در شکل ۲۱ آمده‌اند، منطبق بر، و حمایت کننده از مولفه‌های چشم‌انداز بوده، و آنها را پوشش می‌دهد. شکل همچنین نشان می‌دهد که کدامیک از مولفه‌های پیش‌بینی شده در طرح دولت الکترونیک، کدامیک از مولفه‌های چشم‌انداز ۲۰ ساله را پوشش می‌دهد.



شکل ۲۱- طرح دولت الکترونیک: پوشش مولفه های چشم انداز ۲۰ ساله

۱۵- چشم انداز عملیاتی انتهای فاز اول

در انتهای فاز اول، یک دستگاه نظری و یک چارچوب معماری (چم) شکل گرفته است، که مبتنی بر آن، نظام دولت الکترونیک و معماری دولت الکترونیک و مولفه ها و لایه های آنها بنا شده است (شکل ۲۲). در دستگاه نظری، ترسیمی نسبتاً دقیق از ابعاد نظری و اختصاصاً با توجه به مبانی نظری دولت اسلامی انجام شده است. همچنین، فرهنگ و رویکرد معماری نسبتاً شکل گرفته، ابعاد و متدولوژی آن به عنوان یک علم و هنر، به شکل دقیق تری ترسیم شده است. در این لایه، بنیادهای فرهنگ و پدیده های رفتاری شکل دهنده دولت مطلوب، شناسایی شده است. در لایه طرح و برنامه، رویکرد طرح و برنامه ای مناسب شکل گرفته است. در لایه قواعد و ساختار، قوانین و مقررات بنیادی شکل گرفته و نمونه هایی به عنوان الگو برای درک پارادایم جدید ایجاد شده است. همچنین تعداد مناسبی از سیستم های دولت الکترونیک در پارادایم جدید و قدیم بنا شده است. در نهایت، زیرساخت ها و بسترهای محوری از جمله شبکه دولت، نیز شکل گرفته است.

۱۶- راهبردها

راهبردهای فاز اول عبارتند از:

راهبرد اول: تمرکز اصلی بر بستر سازی نظری، ساختاری، روش شناسی، فکری و فرهنگی



شکل ۲۲- چشم انداز عملیاتی انتهای فاز صفر

در فاز اول، اصل بر شناخت اصلاحات و پدیده دولت الکترونیک مطلوب، و فراهم سازی بسترهای نظری، ساختاری، روش شناسی، فکری و فرهنگی است. تا زمانیکه این بسترها فراهم نشده باشد، امکان تحقق بسترهای فنی، عملیاتی و سایر ملزومات دولت الکترونیک فراهم نخواهد شد.

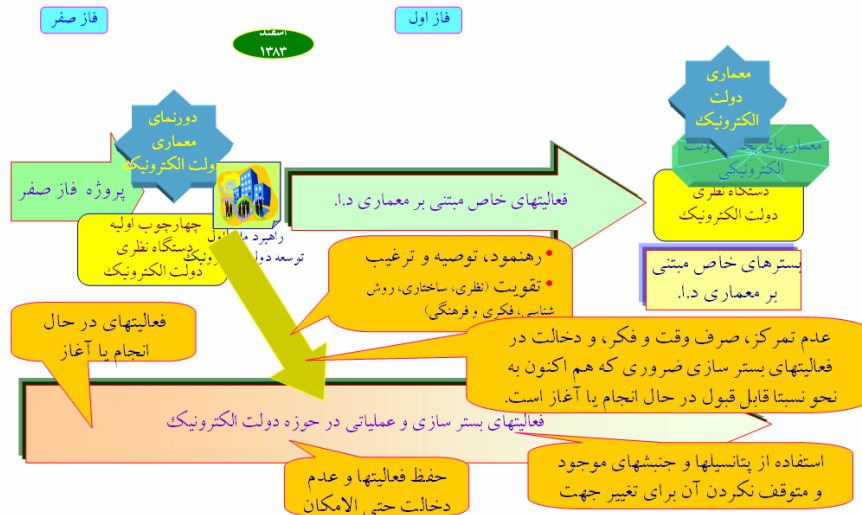
راهبرد دوم: ابقای حرکتها موجود (شکل ۲۳)

فعاليتها و حرکتها موجود در حال آغاز یا انجام در حوزه دولت الکترونیک باید حفظ، و حتی الامکان در این فعاليتها دخالت نشود. فعاليتها بستر سازی و عملیاتی در حوزه دولت الکترونیک انجام شود، و از پتانسیلها و جنبشهای موجود استفاده شده و برای تغییر جهت، آنها را متوقف یا کند نمود. همچنین تا حد ممکن بر فعاليتها بستر سازی ضروری که هم اکنون به نحو نسبتا قابل قبول در حال انجام یا آغاز است، تمرکز، صرف وقت و فکر، و دخالت انجام نشود. تلاش شود تا این فعاليتها، از طریق ارائه رهنمود، توصیه و ترغیب، مورد تقویت (در حوزه های نظری، ساختاری، روش شناسی، فکری و فرهنگی) انجام شود.

راهبرد سوم: تمایز لایه بندی شده اقدامات سیستمهای خرد (شکل ۲۴)

با توجه به لایه های سیستمهای خرد، تبیین شده در دورنمای معماری دولت الکترونیک، برای هر یک از لایهها، سطح اقدامات زیر باید صورت گیرد:

- لایه زیر ساختهای ارتباطی: اقدام توجه و تمرکز اکید در ایجاد زیر ساختهای عمومی و شبکه دولت.
- لایه زیر ساختهای سیستمی: اقدام با توجه و تمرکز اکید در استانداردسازی، طراحی و ایجاد.
- لایه پرتالهای بیرونی و فراسازمانی: در حوزه های کلیدی تکلیف و تعیین متولی؛ در سایر حوزه ها توجه و ترغیب و وضع استانداردها و بسترهای متدولوژیک و ابزاری مناسب.



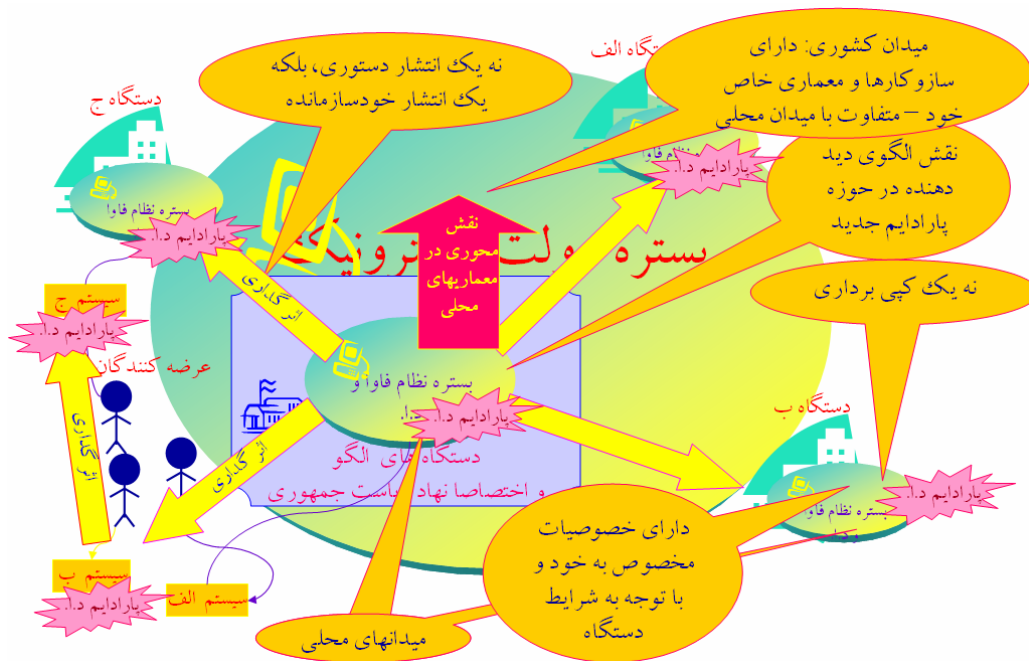
شکل ۲۳- راهبرد دوم: ابقای حرکت‌های موجود



شکل ۲۴- راهبرد سوم: تمایز لایه‌بندی شده اقدامات سیستم‌های خرد

- لایه سازمان و نظام غیر الکترونیکی خرد فرا و بین سازمانی: یافتن گلوگاهها و نقاط کلیدی و تبیین اقدامات لازم و پیگیری تحقق.
- لایه طرح و برنامه فراسازمانی: تبیین و ایجاد بسترهای متدولوژیک.
- لایه فرهنگ سازی و آموزش فرا و بین سازمانی: ترسیم گراف پدیده‌های رفتار و اقدامات فرهنگ سازی مبتنی بر آن.
- لایه‌های سیستم‌های داخلی سازمان، سازمان و نظام غیر الکترونیکی خرد داخل سازمانی، طرح و برنامه داخل سازمانی، فرهنگ سازی و آموزش داخل سازمانی: توجیه و ترغیب سازمانها به اصلاح و ایجاد؛ وضع استانداردها و بسترهای متدولوژیک و ابزاری مناسب.

راهبرد چهارم: انتشار از طریق ارائه الگو (شکل ۲۵)



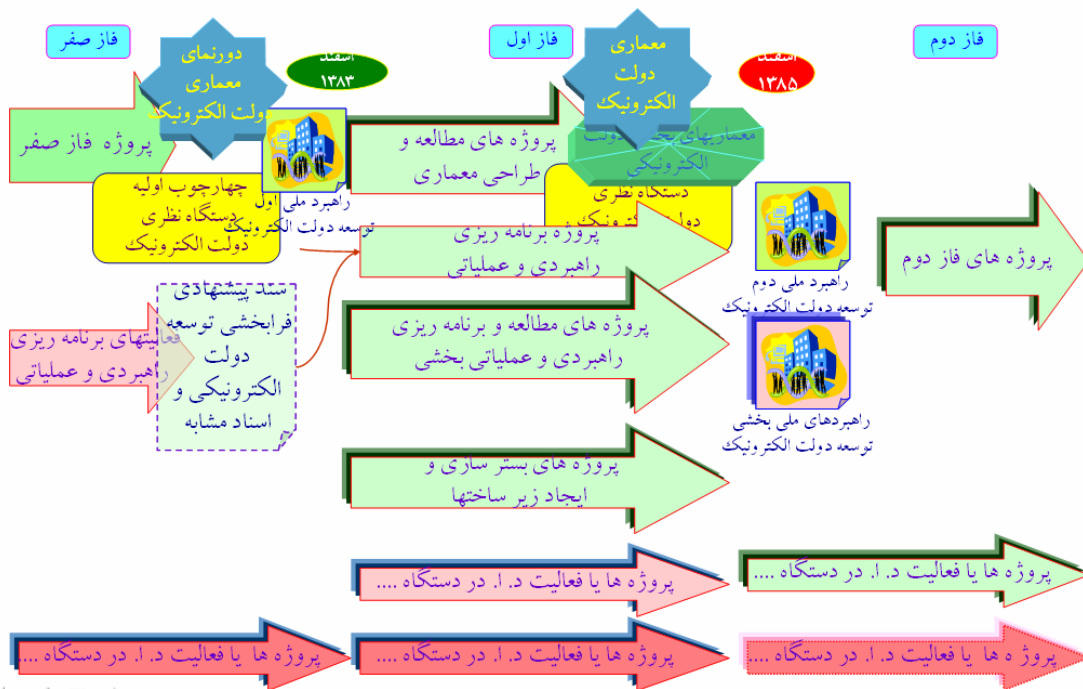
شکل ۲۵ - راهبرد چهارم: انتشار پارادایمیک از طریق ارائه الگو

مفاهیم، بنیادها و ساختار دولت الکترونیک مطلوب، نه به شکل یک انتشار دستوری، بلکه به شکل یک انتشار خودسازمانده، از طریق ارائه الگوهای مطلوب، و اثرگذاری غیر مستقیم و مستقیم این الگوها بر سایر سیستمها و دستگاهها، انجام شود. نهادها و دستگاههای الگو، و اختصاصاً نهاد ریاست جمهوری، نقش الگوی دید دهنده در حوزه نظری و ساختاری جدید را در این میان ایفا می کنند.

پدیده دولت الکترونیک و فن آوری اطلاعات را نمی توان به صورت بخشنامه‌ای توسعه داد. بلکه پارادایم جدید نیازمند ارائه الگو است. تعدادی الگوی مناسب، می تواند اثر بسیار زیادی را در انتشار و توسعه نظام دولت الکترونیک در پارادایم مطلوب، داشته باشد. یکی از این الگوها، نظام فن آوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری در نظر گرفته شده است. فعالیت توسعه نظام فن آوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری و طراحی معماری آن، در سال ۱۳۸۲ آغاز شد، و پروژه‌های متعددی در آن شکل گرفته است. در این نظام، پارادایم جدیدی در حال شکل گیری است. این نظام، نقش الگوی دیددهنده‌ای را در حوزه پارادایم جدید برای نظام‌های فن آوری اطلاعات دستگاه‌های دیگر دارد. هر کدام از دستگاهها، نظام فن آوری اطلاعات خاص خود را دارا هستند. اثرگذاری نظام‌های الگو در ارائه این پارادایم، می تواند به شکل غیرمستقیم، از طریق اثرگذاری بر عرضه کنندگان و تولیدکنندگان محصولات فن آوری اطلاعات، دستگاهها را تحت تاثیر قرار دهد، و بستره دولت الکترونیک را در پارادایم جدید تحقق بخشد. بدین ترتیب، نظام فن آوری اطلاعات نهاد و سایر دستگاههای الگوی پیشرو در بستر دولت الکترونیک، می توانند نقش محوری را ایفا کنند.

راهبرد پنجم: همزیستی برای تحول تدریجی

برای کاهش حتی الامکان اصطکاک و مقاومتها، مفاهیم، ساختار و رویکرد دولت الکترونیک مطلوب، در کنار ساختار و رویکردهای جاری، در یک همزیستی مسالمت آمیز، متعامل و نه مبارزه طلبانه، به شکل شق دوم انتخاب ممکن در فعالیتهای سیستمها، ظاهر می شود. این ظهور به شکل افزارها و امکانات جدید در کنار امکانات موجود، انجام



شکل ۲۶- گامهای اساسی فاز اول

می شود. به نحوی که مطلوبیتهای ساختار و رویکرد مطلوب، منجر به حل شدن تدریجی سیستمهای موجود در ساختار مطلوب گردد.

۱۷- گامهای اساسی در فاز اول

در حال حاضر به موازات فعالیت فاز صفر این طرح، فعالیت‌های برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی در کشور، از جمله در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، و در وزارت فن آوری اطلاعات و ارتباطات، صورت گرفته است. لازم است تا فعالیت‌های مختلف برنامه‌ریزی راهبردی فرابخشی دولت الکترونیک، با یکدیگر ادغام شده، و یک فعالیت واحد همگرا و یکپارچه را شکل دهد. ضمن آنکه فعالیت‌های برنامه‌ریزی راهبردی بخشی نیز در حوزه‌های مختلف کشور انجام شود. (شکل ۲۶)

همچنین باید پروژه‌های مطالعه و طراحی معماری، و تبیین بنیان‌های نظری صورت گیرد، و بسترسازی و ایجاد زیرساخت‌هایی نظیر شبکه دولت انجام شود. طی فاز صفر، تعدادی از پروژه‌ها یا فعالیت‌های جاری دولت الکترونیک که در حال حاضر در دستگاه‌ها در حال انجام شدن هستند، در پارادایم جدید وارد شده و شکل گرفته، و تعدادی از پروژه‌ها نیز احتمالاً در همان پارادایم قبلی انجام می‌شوند. در انتهای فاز اول، راهبرد ملی دوم توسعه دولت الکترونیک و راهبردهای ملی بخشی توسعه دولت الکترونیک تدوین شده و ادامه راه را در فاز دوم و فازهای بعدی تبیین خواهد کرد.

۱۸- نتیجه‌گیری

- دولت الکترونیک در جامعه اطلاعاتی یک ضرورت است.
- دولت الکترونیک، تنها بکارگیری ابزار فن آوری اطلاعات در حکومت نیست؛ بلکه شکل جدیدی از حکومت و دولت است.



- خصوصیات و ملزومات اساسی دولت الکترونیک عبارت است از:
 - فراهم کردن بستر و ساختار باز برای حکومت و دولت،
 - بصورت ارگانیک، زنده و خود سازمانده،
 - با تصمیم گیری و عملیات توزیع شده
 - طی مشارکت و تعامل وسیع جامعه و حکومت،
 - و نهادینه شدن تصمیم گیری‌ها و قدرت حکومت در فرهنگ و بدنه جامعه.
- اولین گام برای تحقق دولت الکترونیک، عبارت است از:
 - شناخت این پدیده توسط دولت و جامعه،
 - عزم جدی،
 - و فراهم کردن ملزومات اساسی تحقق آن،
 - به شکل بستر سازی بنیادهای فرهنگی، نظری، معماری و فنی آن است.

والسلام – انتهای مستند